



سند تحول محور مدارس بچه‌های کار

گفت‌وگو با محمدحسن داوودی، مدیر مجموعه مدارس «صبح رویش»

اُئلدار محمدزاده صدیق

عکس

گفت‌وگو



است که حمایت از کودکان کار باید با آموزش اتفاق بیفتد نه با درخت آرزو یا غذای رایگان، که در وانفسای فرهنگی کشورمان، شاهد رقابت برخی از مجموعه‌های موازی، سمن‌ها (NGO) ها و خیریه‌ها برای این کار هستیم و همین امر سبب شده است که کار صبح رویش به سختی جلو برود.

محمدحسن داوودی، مدیر مجموعه مدارس صبح رویش ویژه کودکان کار است. صبح رویش در حال حاضر ۵ مرکز یا شعبه در دروازه غار و منطقه ۱۵ تهران دارد. هدف این مجموعه، ارائه خدمات علمی، آموزشی و حمایت از بچه‌های در معرض آسیب‌های اجتماعی و کودکان کار است. داوودی که متولد سال ۱۳۶۷ است، مدرک کارشناسی مهندسی صنایع گرایش تحلیل سیستم‌ها دارد و هم‌اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی در دانشگاه تهران است. او در این گفت‌وگو تأکید می‌کند: «ما هیچ کاری را انجام نمی‌دهیم؛ مگر به ما اثبات شود که درست است و هیچ چیزی را یاد نمی‌دهیم؛ مگر به یادگیری بچه‌ها ختم شود.»

■ انگیزه اصلی شما از این کار چه بوده است؟

□ شاید معضل آموزش کشور ما را به این سمت کشاند؛ زیرا

شاید هر یک از ما پشت چراغ قرمز، سر چهارراه‌ها و یا در مکان‌های دیگر با دیدن «کودکان کار» که در قبال دریافت مبالغ ناچیزی شیشه خودروها را تمیز می‌کنند و یا اقلامی را می‌فروشند، تأسف خورده و به این موضوع اندیشیده باشیم که به‌راستی چه کاری برای این بچه‌ها می‌توان انجام داد. «صبح رویش» مجموعه‌ای است که در راستای مسئولیت اجتماعی خود کاری بزرگ انجام می‌دهد و متشکل از گروهی جوان است که دور هم جمع شده‌اند تا تحولی اجتماعی ایجاد کنند.

مدیر مجموعه مدارس «صبح رویش» در این باره می‌گوید: «۱۳ نهاد در کشور در مورد کودکان کار مسئولیت مستقیم دارند که در قانون نیز آمده اما، واقعیت این است که این نهادها کار خود را به‌درستی انجام نداده‌اند؛ یعنی یا نخواستند و یا نتوانسته‌اند، اما نقش مردمی و اجتماعی چه می‌شود؟»

اینجاست که «صبح رویش» به‌عنوان یک گروه مردمی با دریافت زیرساخت‌ها از شهرداری، مجوز از آموزش و پرورش و حمایت و کمک‌های مالی مردمی، به‌دنبال آن است که به شیوه‌ای علمی و از راه تعلیم و تربیت نقش خود را ایفا کند.

مدیر جوان مجموعه مدارس «صبح رویش» معتقد

است و این مهارت‌ها را با شیوه‌های مختلفی آموزش می‌دهیم. برای مثال، در دبستان این کار به شیوه‌های بازی و قصه انجام می‌گیرد. مسئولیت‌پذیری، مسئله‌محوری و آموزش معکوس از دیگر رویکردهای ما هستند. درواقع، بسیاری از شیوه‌های ما ابداعی است.

■ لطفاً دربارهٔ چرخهٔ آموزشی «صبح رویش» توضیح دهید.

□ اگر بخواهم از پایه شروع کنم، روی تابلوی مدرسه اسمی از بچه‌های کار نیست بلکه نوشته شده است: مدرسهٔ صبح رویش، غیردولتی، سال تأسیس ۱۳۹۴. کلمهٔ کودک کار را در هیچ جا جز جاهایی که بچه‌ها به آن‌ها دسترسی ندارند، نمی‌بینید. ما به جداسازی قائل نیستیم و رویکردمان احترام و عزت‌نفس است. ما می‌گوییم که عزت‌نفس دو پایه دارد: خودکارآمدی و احساس ارزشمندی، که روی این دو به‌طور ویژه کار می‌کنیم. بسیاری از برنامه‌های ما احساس ارزشمندی بچه‌ها را ارتقا می‌دهند. وقتی دانش‌آموز خودش کاری را انجام دهد، مثلاً شیرینی درست کند، احساس خودکارآمدی و ارزشمندی می‌کند. از طرفی، ما به بچه‌هایی که در کوچه و خیابان با آن‌ها بد برخورد شده است، احترام می‌گذاریم؛ یعنی با آن‌ها محترمانه برخورد می‌شود.

داده

بسیاری از برنامه‌های ما احساس ارزشمندی بچه‌ها را ارتقا می‌دهند. وقتی دانش‌آموز خودش کاری را انجام دهد، مثلاً شیرینی درست کند احساس خودکارآمدی و ارزشمندی می‌کند

در کنار موضوع تعلیم و تربیت کودکان، حفره‌ای وجود دارد به نام کودکان در معرض آسیب، که کسی حامی آن‌ها نیست. ما دیدیم که با یک رویکرد آموزشی می‌شود روی موضوع آسیب‌های اجتماعی کار کرد. سابقهٔ کار ما بیشتر در موضوع کارهای جهادی و آسیب‌های اجتماعی است و به همین دلیل این حوزه را برای عملکرد انتخاب کردیم. کار خود را با مدرسه‌سازی در مناطق محروم شروع کردیم و این مدارس را تحویل آموزش و پرورش می‌دادیم اما باز شاهد بودیم که در آن مدارس آموزش‌های غلطی به دانش‌آموز ارائه می‌شود و به همین دلیل تصمیم گرفتیم که خودمان با رویکرد تعلیم و تربیتی وارد موضوع شویم.

■ برای این کار چگونه اقدام کردید؟

□ زیرساخت‌ها را از شهرداری و مجوز تأسیس مدرسه را از آموزش و پرورش گرفتیم. رویکرد ما سند تحول آموزش و پرورش است. براساس سند تحول، با مدارس رایج بسیار متفاوت هستیم. سند تحول اذعان و تأکید دارد که آموزش باید این‌گونه باشد اما رویکرد مدارس در تضاد با آن است. سند تحول محور عمل ماست و شیوهٔ کارمان در زمینهٔ آموزش با شیوهٔ رایج در مدارس زمین تا آسمان تفاوت دارد. اینجا یک الگوی آموزشی «رویش» داریم و هدف ما آیندهٔ بچه‌ها و تغییر در رفتارها و باورهای آن‌هاست. براساس سند تحول، رویکرد ما یادگیری است.

■ بنابراین، باید الگوی علمی-آموزشی خاصی داشته باشید؟

برای این کار یک الگوی آموزشی طراحی کرده‌ایم و در این الگو چهار دسته مهارت را به‌عنوان هدف مهارتی برای بچه‌ها در نظر گرفته‌ایم. سه دستهٔ اول مهارت‌های نرم (Soft Skills) و چهارمی مهارت‌های سخت (Hard Skills) است. مهارت فکری دستهٔ اول، مهارت‌های ارتباطی دستهٔ دوم و مهارت کنشگری و تصمیم‌گیری دستهٔ سوم است. دستهٔ چهارم، مهارت‌های حرفه‌ای یا شغلی

■ آموزش شیوه‌های کسب درآمد را تا چه میزان برای

دانش آموزان ضروری می‌دانید؟

□ در اینجا مهارت‌آموزی انجام می‌دهیم اما این را که دانش آموزان به فکر کسب درآمد باشند، دارای اشکال می‌دانیم. آدم توانمند خودش اشتغال خود را پیدا می‌کند. ما بچه‌ها را به قدری توانمند می‌کنیم که کسب شرافتمندانه حلال و پردرآمد داشته باشند. کمتر از ۲۰ درصد بچه‌های کار سر چهارراه‌ها هستند. تجربه‌های میدانی ما نیز نشان می‌دهد که بسیاری از بچه‌های کار در زیرزمین‌ها یا جاهایی کار می‌کنند که اصلاً دیده نمی‌شوند و درآمد چندانی هم ندارند. بچه‌ها در زیرزمین‌ها روزی ۸-۹ ساعت کار می‌کنند و ماهانه ۲۰ هزار تومان پاداش می‌گیرند که واقعاً ظالمانه است. این‌ها اگر در اینجا توانمند شوند، در آینده کسب‌وکار سالمی خواهند داشت و اتفاقات مثبتی هم برایشان می‌افتد.

■ لطفاً فرایند حرفه‌آموزی در صبح رویش را توضیح

دهید.

□ فرایند حرفه‌آموزی در صبح رویش از چند مرحله تشکیل شده است؛ «مهارت‌های پایه» که از کلاس دوم دبستان آغاز می‌شود. قسمت دوم «آشناسازی با مشاغل» است که طی آن بچه‌ها با حدود ۱۰۰ شغل آشنا می‌شوند؛ به این ترتیب که آن کارها را انجام می‌دهند نه اینکه فقط فیلم یا عکسش را ببینند. برای نمونه، آموزش شیرینی‌پزی، نانواپی، لوله‌کشی، آتش‌نشانی، عکاسی، خبرنگاری و گل‌سازی که همه‌اش نیز به صورت واقعی انجام می‌شود. همچنین، آموزش مهارت‌های ساخت‌وساز، کاشی‌کاری، آجرچینی، چرم‌دوزی، مهارت‌های حوزه قارچ، پخت پیتزا و ... بچه‌ای که پیتزا درست می‌کند، ۴۰ جیرینگ می‌گیرد. فرض کنید قبلاً هم رفته است بنایی و ۳۰ جیرینگ گرفته است و در مجموع ۷۰ جیرینگ دارد. حالا می‌خواهد پیتزا بخرد که قیمتش ۲۰۰ جیرینگ است. مابقی آن را نیز باید کسب کند؛ بنابراین ترغیب می‌شود که بقیه مهارت‌ها را نیز آموزش ببیند. مهارت‌ها بسیار زیادند و حدود ۱۰۰ مورد را شامل می‌شوند.

□ مرحله بعدی انتخاب شغل است که براساس علاقه و استعداد صورت می‌گیرد. به این ترتیب، ما در استعدادسنجی به طور واقعی با علایق بچه‌ها در ارتباط هستیم و آن‌ها براساس رویاهایشان و یا اینکه مثلاً چون در خانواده‌شان یک نفر جوشکار هست که سطح درآمد خوبی دارد، رشته یا حرفه را انتخاب نمی‌کنند بلکه انتخابشان با آشنایی کامل و براساس علاقه و استعدادشان است. استعدادسنجی نیز برنامه و فرایند خاص

به حقوقشان احترام گذاشته می‌شود و از آن‌ها نظرخواهی می‌شود. اینکه بگوییم کدام کلاس چه چیزی را یاد می‌دهد، متضاد با روش ماست. روش ما تلفیق است. ما مسائل فرهنگی را نه در کلاس دینی و معارف بلکه در حیاط با رویکرد ناظم ما و در راهرو با تابلوی سیم‌رغ دانا و در کلاس وطنکده با آموزش‌هایی که در برنامه درسی وطنکده است یاد می‌دهیم. ریاضی را عموماً نه در زنگ ریاضی بلکه در جاهای مختلف در زنگ ورزش و با شیوه‌های دیگر آموزش می‌دهیم. اسم کلاس ریاضی ما عدد کده است. درواقع، از شیوه تلفیق استفاده می‌کنیم و این مهارت‌ها را با این رویکردها آموزش می‌دهیم.

■ آیا برنامه آموزشی خود را برای ارزیابی به رویدادهای

معتبر آموزشی دنیا ارائه داده‌اید؟

□ یکی از معتبرترین رویدادهای آموزشی دنیا «وایز» (WISE: World Innovation Summit for Education) است که امروزه جایزه آن از جایزه «نوبل» هم جذاب‌تر شده است.

«صبح رویش» افتخار دارد که به عنوان تنها اولین مجموعه‌ای که در «وایز» شرکت می‌کند، و از بین چند میلیون ایده، که به آن مرکز ارسال می‌شود، ایده و برنامه «صبح رویش» را پذیرفته و دعوت کرده‌اند که در اجلاس آن‌ها شرکت کند. صبح رویش این مدل را از طرف ایران در سطح جهانی مطرح می‌کند. در حال حاضر، «صبح رویش» با مشارکت «شورای عالی آموزش و پرورش کشور» محتوایی را برای آموزش کودکان کار و در معرض آسیب کل کشور و بر مبنای برنامه درسی ملی طراحی می‌کند.

■ شناسایی بچه‌ها چگونه صورت

می‌گیرد؟

□ در ابتدا این کار را مددکارهایمان انجام می‌دادند اما الآن خود بچه‌ها به ما مراجعه می‌کنند. درواقع، خود بچه‌ها ما را تبلیغ و به هم معرفی می‌کنند. دانش‌آموزانی که از مدرسه فراری بودند، بعد از اینکه چند نفر به اینجا آمدند و این مرکز را به آن‌ها معرفی کردند، و به این مدرسه آمدند. توضیح این نکته لازم است که از هر ۱۷ بچه‌ای که سر چهارراه‌ها کار می‌کنند، ما توانسته‌ایم یکی را جذب ساختار صبح رویش کنیم. ما یک مینی‌بوس سیار با عنوان «جاذبی» داریم که قرار است در آن در سر چهارراه‌ها برای دانش‌آموزان مدرسه برقرار کنیم. این طرح مراحل اجرای آزمایشی خود را سپری کرده است و پس از سه سال موفق به اخذ مجوز آن شده‌ایم و هم‌اکنون در حال اجراست. صبح رویش تاکنون ۷۹۳ کودک را جذب کرده است.

رویکرد مدارس
«رویش»
سند تحول
آموزش و پرورش
است. براساس
سند تحول، با
مدارس رایج
بسیار متفاوت
هستیم



دل نوشته
دانش آموزان
دختر مدرسه
کودکان کار
صبح رویش

این بچه‌ها غذا بدهیم؟ گاهی هم خیریه‌ها «درخت آرزو» می‌گذارند که کار بسیار غلطی است. رویکرد ما در صبح رویش متفاوت است. خیریه‌ای که درخت آرزو می‌گذارد، کودک را تا ابد امیدوار به برآورده کردن آرزویش توسط شخص دیگری می‌کند. این بچه در بزرگسالی فاقد هر مهارتی خواهد بود و توانمند نخواهد شد؛ بنابراین، باید برای ساختار آموزشی فکری کرد. نمی‌خواهم تمام تقصیرات را به گردن آموزش و پرورش بیندازم اما ساختار آموزشی اشکال دارد. معلمان زبان انگلیسی که در مدارس مسئولیت آموزش زبان خارجی را پذیرفته‌اند، در قبال بچه‌هایی که پس از فارغ‌التحصیلی نمی‌توانند انگلیسی صحبت کنند، مسئولیت اجتماعی دارند؛ زیرا این کار را پذیرفته‌اند. سند تحول و برنامه درسی دست معلم را باز گذاشته است.

■ زمان کار صبح رویش چگونه است؟

□ زمان کار ما از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۸ شب است. ما حتی روزهای تعطیل و تابستان هم با دانش آموزان در ارتباطیم. ساعت کاری آموزشی براساس سرفصل‌های آموزش و پرورش ساعت ۱ بعد از ظهر به پایان می‌رسد. البته در حال راه‌اندازی شیفت دوم نیز هستیم اما بعد از آن، ارتباط ما با بچه‌ها حفظ می‌شود و همواره مددکارهای ما در کنار آن‌ها هستند. مجموعه مدارس کودکان کار در حال حاضر تا پایان دوره اول دبیرستان است و دوره دوم دبیرستان را هنوز نداریم.

خودش را دارد که براساس مسائل روان‌شناختی و پیکربندی بچه‌هاست. مشاوره‌های ما نیز برای بچه‌ها بسیار تعیین‌کننده است.

مرحله بعد، حرفه‌ای سازی است و مراحل دیگری نیز وجود دارد که بچه‌ها تا ۱۸ سالگی طی می‌کنند؛ نظیر مسائل مربوط به کسب حلال، که در نهایت بعضی از بچه‌ها کارآفرین می‌شوند. این مراحل متناسب با آموزش مبتنی بر اصل «تفاوت‌های فردی» است. با توجه به اصل تفاوت‌های فردی، هر بچه‌ای با توجه به استعدادهای خود رشد می‌کند و با دانش آموزان به شیوه کارخانه‌ای برخورد نمی‌شود. براساس اصل تفاوت‌های فردی، ما نمی‌توانیم به دانش آموزی که مثلاً می‌خواهد کارگردان تلویزیون شود، بگوییم نمی‌توانیم. درواقع، یا باید بتوانیم و یا آن را وصل کنیم به علاقه خود.

■ تأمین مالی مدرسه چگونه انجام می‌شود؟

□ تأمین مالی مدرسه توسط مردم انجام می‌شود. زیرساخت مدرسه توسط شهرداری تهران در اختیار ما قرار گرفته و آموزش و پرورش به ما مجوز داده است. رویکرد ما جذب منابع مردمی است. چقدر خوب بود که قسمت‌های حاکمیتی بتوانند حمایت‌های لازم را انجام دهند، ولی این امر تاکنون امکان‌پذیر نشده است. تمام هزینه‌ها توسط مردم تأمین می‌شود. مردم می‌توانند از پرداخت ماهانه ۵۰ هزار تومان بورسیه به بچه‌ها شروع کنند. شیوه کار این است که یک بچه را انتخاب می‌کنند و با پرداخت ماهانه ۵۰ هزار تومان بخشی از هزینه‌های او

تأمین می‌شود. برای این کار می‌توانند به سایت یا صفحه اینستاگرام ما مراجعه کنند. به این ترتیب، تقریباً نیمی از هزینه‌های ما تأمین می‌شود اما نیمی دیگر از هزینه‌ها با مشکل روبه‌روست. ما در سال گذشته مجبور شدیم یکی از مراکزمان را تعطیل کنیم و در حال حاضر نیز چالش‌های مالی جدی داریم. تلاش می‌کنیم این کارها را پیش ببریم و ان شاءالله مشکلات مالی را کاهش دهیم. همکاری با «صبح رویش» جنبه داوطلبانه دارد. بعضی از این افراد هدایایی از ما دریافت می‌کنند که قابل مقایسه با پرداخت‌های مدارس نیست. بسیاری از افراد نیز ۱۰۰ درصد داوطلبانه کار می‌کنند.

افراد را به‌سختی تأیید می‌کنیم و آن‌ها قبل از کار داوطلبانه خود، گزینش می‌شوند.

■ به نظر شما، حمایت از بچه‌های کار چگونه باید باشد؟

□ برخی افراد برای حمایت از کودکان کار از آن‌ها خرید می‌کنند یا به آن‌ها غذا می‌دهند، مگر چقدر می‌توانیم به

درد
ما هیچ کاری را
انجام نمی‌دهیم؛
مگر به ما اثبات
شود که درست
است و هیچ چیزی
را یاد نمی‌دهیم؛
مگر به یادگیری
بچه‌ها ختم شود